رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۱۲، شماره پیاپی ۸۱، اسفند ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(12), 2023

اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق

The effectiveness of teaching skills based on the attachment model on hostile and angry documents in women applying for divorce

زهرا خوانساری
دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.
حسن توزنده جانی (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه روان شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.
احمد زنده دل
استادیار، گروه روان شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

Zahra Khansari
Ph.D. student of Psychology, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.
Hasan Toozandehjani*
Associate Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. h.toozandehjani@ymail.com
Ahmad Zendehdel
Assistant Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

چکیده
هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسنادخصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق بود. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری یک ماهه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان متقاضی طلاق بود که جهت استفاده از خدمات روان‌شناختی در آبان ۱۴۰۰ لغایت بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به کلینیک‌های روان‌شناسی (تحت پوشش سازمان بهزیستی) در شهر سبزوار مراجعه کرده بودند. نمونه این پژوهش شامل ۳۰ نفر از زنان متقاضی طلاق بود که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. سپس، از میان نمونه پژوهش به‌طور تصادفی ۱۵ نفر در گروه گواه و ۱۵ نفر در گروه آزمایش جایگزین شد. داده‌ها با استفاده از مقیاس اسنادخصمانه (HDS) (آرنتز و همکاران، ۲۰۰۳) و مقیاس سبک‌های فراهیجانی (MES) بک و همکاران ۲۰۰۹) جمع‌آوری شد. مداخله آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یکبار انجام شد؛ اما گروه گواه هیچ مداخله‌ای را دریافت نکردند. داده‌های پژوهش، به‌روش تحلیل واریانس آمیخته (بااندازه‌گیری مکرر) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد میزان تأثیرگذاری آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق ۴۸/۱ درصد است (p<۰/۰۵). همچنین ماندگاری آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه ۶۸/۶ و در فراخشم ۸۹ درصد بود (P<۰/۰۵). نتیجه‌گیری می‌شود آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق موثر است.

واژه‌های کلیدی: *آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی، اسنادخصمانه، فراخشم.*

Abstract
The aim of the present study was to determine the effectiveness of teaching skills based on the attachment model on hostile and angry documents in women seeking a divorce. The current research was semi-experimental with a pre-test-post-test design, a control group, and a one-month follow-up. The statistical population was all the women applying for divorce which had visited the psychological clinics (under the welfare organization) of Sabzevar City from November 2021 to February 2021. The sample was 30 women applying for divorce, selected as available and randomly replaced by 15 people in the control group and 15 in the experimental group. Data were collected through the Hostile Document Scale (HDS) (Arentz et al., 2003) and the Metaemotional Styles Scale (MES) Beck et al., 2009). The intervention of teaching skills based on the attachment model was carried out during 8 sessions of 90 minutes once a week, But the control group did not receive any intervention. The data were analyzed by mixed variance analysis. The findings showed that the effectiveness of training skills based on the attachment model on hostile and angry documents in women applying for divorce is 48.1% (p<0.05). The permanence of teaching skills based on the attachment model was 68.6% on hostile documents and 89% on anger (P<0.05). It can be concluded that teaching skills based on the attachment model are effective on hostile and angry documents in women applying for a divorce.

Keywords: *teaching skills based on the attachment model, hostile documents, anger.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : شهریور ۱۴۰۱** | **پذیرش: آبان ۱۴۰۱** | **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است مسئله طلاق است (ویندل و ویندل[۱]، ۲۰۱۸). طلاق یک فقدان است که سازگاری فرد را تحت‌الشعاع قرار داده و اثرات نامطلوبی در این زمینه ایجاد می‌کند و رضایت ذهنی را مختل می‌کند (رادتتزکی[۲] و همکاران، ۲۰۲۱). فقدان کنترل (جبالی و المسروه[۳]، ۲۰۲۲)، کاهش اعتمادبه‌نفس (هریس[۴] و همکاران، ۲۰۱۷) و خود ارزشمندی پایین (وان دجیک[۵] و همکاران، ۲۰۲۱) و افسردگی (اووروپ[۶] و همکاران، ۲۰۲۲) پیامدها و فقدان‌هایی هستند که ممکن است در آسیب بین فردی، طی وقایع تنش‌زایی مانند طلاق، آن‌ها را تجربه کند. اسنادهای خصمانه، یکی از پیش‌بینی کننده‌های تعارض‌های زناشویی و کیفیت روابط بین فردی زوجین است (نیسنکی و نیسنکی[۷]، ۲۰۲۲). اسنادهای خصمانه به‌عنوان تمایل به‌منظور دشمنی نسبت به رفتارهای دیگران تعریف‌شده اند (زاجنکوسکا[۸] و همکاران، ۲۰۲۱). برخی نظریه‌پردازان ازجمله دادج و پریس[۹] (۱۹۹۰) بر این عقیده‌اند که در وقوع پرخاشگری، تعارض و افسردگی، نقش سوگیری‌های اسنادی خصمانه شناختی پرخاشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (باک[۱۰] و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، مکانیسم‌های شناختی پرخاشگری، تعارض و افسردگی اغلب مورد مطالعه قرارگرفته‌اند و اسناد خصمانه به‌عنوان یک عامل شناختی مهم در ایجاد و توسعه پرخاشگری و تعارض شناخته‌شده است (اکیوآن[۱۱] و همکاران، ۲۰۱۹). یک عامل شناختی مهم در سوگیری اسناد خصمانه ناظر بر تمایل فرد به تعبیر و تفسیر خصمانه رفتارهای دیگران در موقعیت‌های اجتماعی است، بدون آن‌که رفتار دیگری و پیامدهای آن رابطه وجود داشته باشد (جیائو[۱۲]، ۲۰۲۱). دادج و همکاران (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که اسناد خصمانه در بروز رفتارهای پرخاشگرانه، تعارض‌های زناشویی و نشانه‌های افسردگی نقش دارند و از سوی دیگر سوگیری اسناد خصمانه یکی از مهم‌ترین واکنش‌های پرخاشگرانه و افسرده ساز به شمار می‌آیند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، ویژگی‌هایی نظیر فراخشم[۱۳] که از مؤلفه‌های مهم افراد دارای تعارض و متقاضی طلاق هستند، می‌توانند مانعی در روابط بین فردی در این افراد باشند (روین[۱۴]، ۲۰۲۰). این افراد که به‌گونه‌ای مرضی نسبت به ارزیابی‌های منفی دیگران نگران هستند و ابعاد فرا هیجانی منفی شدیدی را تجربه می‌کنند، احتمال دارد که از موقعیت‌هایی که در آن‌ها در معرض این ارزیابی‌های منفی قرار می‌گیرند اجتناب نموده و بگریزند و یا دچار اسناد خصمانه شوند (کاردنیزووا و داهلی[۱۵]، ۲۰۲۱). یکی از رویکردهای مطرح در سبب‌شناسی و پیشگیری از تعارض‌ها و تنش‌های زناشویی و زوجین متقاضی طلاق، درمان‌های مبتنی بر دل‌بستگی است (تسویلی[۱۶] و همکاران، ۲۰۲۲). با توجّه به دلالت‌های چشمگیر این رویکرد در حوزه‌های گوناگون مرتبط باکیفیت زندگی به‌طور اعم و تحوّل ظرفیت‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی به‌طور اخص، گستره‌های مفهومی و تبیینی این چارچوب نظری، مرزهای سبب‌شناسی طیف عظیمی از اختلال‌های روان‌شناختی را درهم نوردیده و به یکی از مهم‌ترین زمینه‌های آموزشی و درمانی چه در سطح مداخله‌های پیشگیرانه و چه در قلمرو مداخله‌های بالینی بدل گشته است (دیاموند[۱۷] و همکاران، ۲۰۲۲). نظریه دلبستگی بزرگسالان (ون در وات[۱۸] و همکاران، ۲۰۲۲) در واقع بسط نظریه دلبستگی بالبی و اینسورث است و تفاوت‌های فردی افراد را از نظر شناخت، احساس و رفتار که در بافت روابط نزدیک بزرگسالی اتفاق

1 - Windle & Windle
2 - Radetzki
3- Jabali
4 - Harris
5 - van Dijk
6- Øverup
7- Nisanci& Nisanci
8 - Zajenkowska
9- Dodge & Price
10 - Buck
11- Quan
12 - Jiao
13 -Parker
14 - Royeen
15 - Karadenizova & Dahle
16- Tsvili
17- Diamond
18- Van der Watt

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

می‌افتد را تبیین می‌کند (ولوتی [1]و همکاران، ۲۰۲۲). برخی مطالعات نشان داده‌اند که برقراری دل‌بستگی ایمن راهی به‌سوی کاهش فرانگرانی و رضایت از زندگی در افراد دارای تعارض و متقاضی طلاق است (اجتماعی سنگری و سلیمیان ریزی، ۱۳۹۸).

اثربخشی مداخله‌های مبتنی بر دل‌بستگی در پژوهش‌های مختلفی گزارش‌شده است (کریچفیلد [2]و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌های پژوهشگرانی چون تسویل [3] و همکاران (۲۰۲۲)، گانز [4]و همکاران (۲۰۲۲)، سلانووا و نبوت-گرسا[5]، ۲۰۲۲)، گریرو[6] (۲۰۲۱)، هوانگ[7] و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که آموزش کبتنی بر دلبستگی بر اسنادخصمانه و فراخشم موثر می باشد. به‌طورکلی، وجود اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق از شاخص‌های تلفیقی تخریب تدریجی سازگاری روابط زوجین و ایجاد تجربه و درک هیجان‌های ناخوشایند در تعاملات زناشویی هستند. ازاین‌رو، افراد برای برقراری مجدد اعتماد و رضایت زناشویی در رابطه خود، به‌ویژه موضوعات مربوط به پیوندهای هیجانی با افراد مهم زندگی، برای درمان مراجعه می‌کنند. به همین دلیل نیاز به رویکردهای مؤثر و به‌طور تجربی حمایت‌شده مورد تأکید قرارگرفته است (آوچی[8] و همکاران، ۲۰۲۲).

امروزه طلاق مانند ازدواج امری عادی تلقی می‌شود و آمار و ارقام نشان می‌دهد که ایران چهارمین کشور پر طلاق دنیاست (شهایی و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به پژوهش‌های ذکر شده اسناد خصمانه و فراخشم در زوجین متقاضی طلاق زیاد مشاهده می‌شود؛ لذا ضرورت دارد که به زوجین در کاهش این متغیرها کمک شود. علاوه بر آن پژوهش‌های اندکی درباره اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر ویژگی‌های روان‌شناختی زنان متقاضی طلاق به‌ویژه بر اسناد خصمانه و فراخشم انجام‌شده است. درنتیجه با توجه به آمار بسیار بالای طلاق، پیشینه پژوهشی اندک درباره آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی، مشکلات فراوان زنان متقاضی طلاق و ضرورت کمک‌های شناختی و روان‌شناختی به آن‌ها، پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق است.

روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری یک ماهه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان متقاضی طلاق بود که جهت استفاده از خدمات روان‌شناختی در آبان ۱۴۰۰ لغایت بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به کلینیک‌های روان‌شناسی (تحت پوشش سازمان بهزیستی) در شهر سبزوار مراجعه کرده بودند. نمونه این پژوهش شامل ۳۰ نفر از زنان متقاضی طلاق بود که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. سپس، از میان نمونه پژوهش به‌طور تصادفی ۱۵ نفر در گروه گواه و ۱۵ نفر در گروه آزمایش (آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی) جایگزین شد. ملاک‌های ورود زنان به پژوهش شامل متقاضی طلاق بودن، دارا بودن تحصیلات حداقل دیپلم، عدم ابتلا به اختلالات روانی و شخصیتی که از طریق روانپزشک کلینک‌های مورد مطالعه بررسی شد، عدم شرکت همزمان در سایر برنامه‌های درمانی، عدم دریافت مشاوره فردی یا دارو درمانی و اعلام رضایتمندی و امکان شرکت در جلسات درمان در زمان اجرای پژوهش بود و ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: غیبت بیش از دو جلسه، عدم همکاری در طول جلسات درمانی، شروع به مصرف داروهای روانگردان، شرکت همزمان در سایر برنامه‌های درمانی روان‌شناختی و دریافت مشاوره فردی یا دارو درمانی بود. گروه گواه شامل زنانی بودند که مداخله‌ای در فرایند پژوهش دریافت نکرده بودند و در لیست انتظار برای دریافت مداخله بودند. قبل از اجرای جلسات درمان آزمودنی‌های هر دو گروه از طریق پرسشنامه اسناد خصمانه و سبک‌های فراهیجان مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش تحت مداخله ۸ جلسه‌ای و بر اساس جلسات ۹۰ دقیقه‌ای که هفته‌ای یک‌بار به‌صورت جلسات حضوری برگزار می‌شد؛ قرار گرفتند. پس از پایان جلسات مداخله، شرکت کنندگان هر دو گروه مجدداً با ابزار پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند و بعد از گذشته یک ماه نیز پیگیری صورت گرفت. لازم به ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی پژوهش از جمله این که به زنان شرکت کننده در پژوهش اطمینان خاطر داده

1- Velotti
2- Critchfield
3- Tsviel
4- Ganz
5- Selanova & Nevut-Grasa
6 - Guerrero
7 - Huang
8- Avci

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

شد کلیه اطلاعات پژوهش به صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و از این اطلاعات صرفا جهت ارزیابی پژوهشی استفاده می‌شود؛ رعایت گردید. کلیه زنان شرکت کننده در گروه گواه پس از اتمام مراحل پژوهش، در آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی به طول ۴ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای شرکت کردند. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS ویراست ۲۶ و روش آماری تحلیل واریانس آمیخته (با اندازه‌گیری مکرر) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

مقیاس اسنادخصمانه (HDS) : مقیاس اسناد خصمانه توسط آرنتز و همکارانش (۲۰۰۳) در جهت اندازه‌گیری اسناد خصمانه تهیه‌شده است که حاوی ۲۰ آیتم است و هریک از آیتم‌ها در قالب ۵ درجه‌ای لیکرت (۵= کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم=۱) نمره‌گذاری می‌شود. در راستای پیشگیری از یکنواختی پاسخ‌های آزمون شنوندگان، سؤالات ۳، ۸، ۱۱ و ۱۵ این پرسشنامه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. برای بررسی روایی پرسشنامه اسناد خصمانه آرنتر از طریق وارسی روایی سازه با تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های CFI، AGFI و GFI به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲ و ۰/۹۵ بر برازش مطلوب و مناسب دلالت داشته و شاخص‌های RMSEA و RMR به ترتیب برابر ۰/۰۶۴ و ۰/۰۴۲ برازش نسبتا مطلوب را گزارش کردند که روایی این پرسشنامه را مورد قرار می‌دهند (دیدوچی حاضار[۲] و همکاران، ۲۰۱۹). در راستای بررسی پایایی مقیاس، آرنتز و همکاران (۲۰۰۳)، از روش بازآزمایی در فاصله زمانی سه ماهه استفاده نموده‌اند که نتایج نشانگر همبستگی مثبت و قابل‌توجه ۰/۷۹ بین دو مرحله آزمون بوده است (به نقل از برینان[۳] و همکاران، ۲۰۱۰). پایایی آن در نمونه ایرانی براساس سه روش همسانی درونی، بازآزمایی و تنصیفی محاسبه شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب پایایی ۰/۹۳، ۰/۹۵ و ۰/۹۷ به دست آمد. روایی همزمان از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه SCL-90 انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۵۶ حاصل آن بود. ضرایب همبستگی با نمره کل در حد رضایت بخش و بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ متغیر بود (ابهر زنجانی و همکاران، ۱۴۰۱). ضریب آلفای کرونباخ گزارش‌شده در پژوهش حاضر ۰/۸۶۲ بود.

مقیاس فراهیجان میتمانسگروبر (MES[۴]): این مقیاس خود گزارش‌دهی که فرا هیجان‌های منفی و مثبت را می‌سنجد، توسط میتمانسگروبر[۵] و همکاران در سال ۲۰۰۹ ساخته‌شده است و دارای ۲۸ ماده است و آزمودنی در یک مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای (۱= اصلاً صدق نمی‌کند تا ۶= کاملا صدق می‌کند) به آن پاسخ می‌دهد. سازندگان ابزار، این مقیاس را شامل شش مؤلفه خشم، حقارت/ شرم، مهار شدید و فرونشانی (فرا هیجان‌های منفی) و شفقت و علاقه (فرا هیجان‌های مثبت) با ضرایب آلفای به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۷، ۰/۸۳، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ و برای کل مقیاس ۰/۸۷ گزارش کردند (میتمانسگروبر و همکاران، ۲۰۰۹). میتمانسگروبر و همکاران (۲۰۰۹) جهت بررسی روایی مقیاس از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده نمودند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که این آزمون از دو بعد تشکیل‌شده و بار عاملی هر سؤال بر روی عامل مربوطه بالاتر از ۰/۴۰ است. این پژوهشگران به منظور برازش مدل از شاخص‌های مجذور خی، شاخص نیکویی برازش (GFI=۰/۹۲)، خطای مجذور میانگین تقریب (RMSEA=۰/۰۵)، باقیمانده مجذور میانگین (RMR=۰/۰۴) و برازش تعدیل شده (AGFI=۰/۹۱) استفاده شد. با توجه به این که مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های GFI و AGFI مطلوبست و شاخص‌های RMR و RMSEA کوچکتر از ۰/۰۵، دال بر برازش بسیار مطلوب و مناسب است که نشان از این نتیجه است که برازش مدل مطلوب است، همچنین شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی کوچکتر از ۳ است که برازش بسیار مطلوب را نشان می‌دهد.

بنیسی (۱۳۹۸) ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را در ایران ۰/۷۸ گزارش کرد. نتایج تحلیل عاملی این پژوهش، دو بعد اصلی فرا هیجان‌های مثبت و منفی را تائید کردند. همچنین روایی همگرایی فرا هیجان‌های مثبت در این ابزار با مؤلفه‌های هوش هیجانی پرسشنامه رگه هوش هیجانی (پترایدز[۶] و همکاران، ۲۰۰۱) ۰/۵۱ گزارش شد (به نقل از بنیسی، ۱۳۹۸). لازم به ذکر است در پژوهش حاضر از بعد فراهیجان منفی پرسشنامه حاضر استفاده شد. همچنین آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر نیز ۰/۸۳۲ بود.

آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی: جلسات زوج درمانی مبتنی بر دل‌بستگی بر اساس نظریه دلبستگی (به نقل از پاجی، ۱۳۹۵) تنظیم شد که شرح مختصر جلسات درمانی در زیر آمده است:

1 - Hostile documentation scale
2 - Dyduch-Hazar
3 - Brennan
4 - Meta-Emotion Scale
5 - Mitmansgruber
6 - Ptraydez

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

جدول ۱. جلسات آموزش مهارت‌های مبتنی بر دلبستگی

جلسه	هدف	محتوا
اول	آشنایی، توضیح روش و بیان اهداف	انجام پیش‌آزمون؛ توضیح قوانین کلاس، تعریف، تاریخچه، انواع دلبستگی، دلبستگی بزرگسالان و تمرین-های مرتبط با انواع دلبستگی (ایمن، اضطرابی، ناایمن اجتنابی) جهت فهم بهتر مطالب و همکاری و تعامل هر چه بیشتر شرکت‌کنندگان با یکدیگر. تکلیفی که در این جلسه بـه شرکت‌کنندگان داده شد شامل کلیه مطالب عنوان شده در همـان جلسه به‌صورت جزوه بود تا آنچه در جلسه عنـوان شـده را بهتـر بـه خاطر بسپارند و اگر مطلبی برایشان مـبهم بـوده در جلسه‌ی بعدی بپرسند تـا برایشان شفاف سازی شود .
دوم	شناسایی سبک های دلبستگی در افراد و همسرانشان و تاثیر آن بر تعارضات	بحث و تبادل نظر در مورد تکلیف جلسه اول، پاسخ به سوالات شرکت‌کنندگان در ارتباط با جلسه قبل، توضیح و تبیین الگوهای تعارض و مجادله‌های زوجین تحت تاثیر سبک های دلبستگی به صورت عینی. برای تکلیف این جلسـه از شرکت‌کنندگان خواسته شد چند خاطره خوب در زندگی مشترکشان را یادداشت کنند و در مورد یک خاطره خوب با یکدیگر صحبت کنند (مرورخاطرات خوب) در این تکلیف مشاهده رفتارهای کلامی و غیر کلامی شرکت‌کنندگان در حین مرور خاطرات خوب مورد توجه قرار گرفت.
سوم	شناسائی الگوی تعارضات زناشوئی بر اساس سبک دلبستگی	بررسی سه الگوی تعارضات زناشویی بر اساس سبک دلبستگی افراد. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد حداقل دو مورد از مشکلاتی را که اخیرا با آن روبرو بودند و نحوه‌ی برخورد با آن مشکلات را بازسازی کنند.
چهارم	توجه به هیجان در فرایند های اساسی از قبیل تصمیم گیری، انتخاب مناسب و ارتباط موثر	تمرکز بر هیجان‌های اصلی و بنیادی مانند ترس از طرد شدن، ترس از ناقص بودن، ترس از تنهایی و درماندگی به جای هیجان‌های ثانویه مانند خشم و عصبانیت که باعث رفتارهایی از قبیل اعترض، چسبندگی، اجتناب، انزوا، اغراق و بزرگ نمایی. برای تکلیف از شرکت کنندگان خواسته شد که در مورد یک میهمانی که قرار است خودشان تدارک ببینند و برگزار کنند، تصمیماتی اتخاذ کنند (قدرت تصمیم-گیری و تقسیم وظایف و نقش‌ها مد نظر است) و در طی این فرآیند از آنها خواسته شد شیوه مصالحه در پیش بگیرند.
پنجم	آشنایی با ابعاد مختلف و مراحل ایجاد صمیمیت در روابط	آموزش مهارت‌های ارتباطی، قدردانی، در دسترس بودن و حمایت و مراقبت زوجین از همدیگر. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد احساسات خود را در مورد روابط دو نفره‌شان و برداشت‌ها و خواسته‌های خود را در مورد این روابط با یکدیگر در میان بگذارند مثلا تشویق شدند که هیجانات ملایم خود را ابراز کنند و یکدیگر را سرزنش نکنند.
ششم	آشنایی شرکت‌کنندگان با مفهوم رضایت زناشویی و پی بردن به اهمیت شناخت و بررسی عواملی که منجر به استحکام روابط زناشویی می‌شود	آموزش چگونگی گوش دادن همدلانه، احترام به خود و به دیگری، پذیرش احساسات و عقاید طرف مقابل، یافتن راه‌حل برای بهبود روابط و بالابردن مشارکت دوجانبه و تداوم پیگیری اهداف و علایق جدید. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد که رابطه خودشان را با استفاده از صفت مشخصه توصیف کنند و مثال‌هایی برای روشن شدن هر یک از صفاتی که انتخاب کرده‌اند بزنند و به طرف مقابل خود بگویند که کدامین صفات برایشان خوشایند و کدام یک ناخوشایند است و باید حذف یا اصلاح شود.
هفتم	آشنایی شرکت‌کنندگان با مفهوم دلبستگی به خدا	آموزش توجه به خدا، معنویت و دلبستگی به او و توجه به تاثیر این مهم در بهبود ارتباط زوجین. برای تکلیف این جلسه از شرکت‌کنندگان خواسته شد که معنا و هدف از زندگی‌شان را شناسایی و آن را در قالب دلبستگی به خدا قرار دهند.
هشتم	ترغیب و تشویق شرکت‌کنندگان ترغیب و تشویق می‌شوند که با بکارگیری اصول و مهارتهای مطرح شده	شناخت نیازهای دلبستگی سالم و طبیعی دانستن آنها، کشف ترس‌ها و نا ایمنی‌های اساسی ناشی از ارتباط، تسهیل ابراز نیازها و خواسته‌ها، ایجاد صمیمت و درگیری صمیمانه و بخشش اشتباهات یکدیگر، تأکید بر هیجانات اولیه و بنیادی که مرتبط با نیازهای دلبستگی (مانند ترس و شرم) است؛ انجام پس آزمون و اعلام پایان جلسه

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

یافته‌ها

میانگین سن گزارش‌شده برای نمونه پژوهش حاضر به تفکیک گروه‌ها؛ برای گروه آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی ۴±۲۷/۳۶/۵ و در گروه گواه ۳۴/۹ ±۲/۹ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۶ و حداکثر سن ۴۰ گزارش شد. همچنین با توجه به سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵؛ تفاوت معناداری بین دو گروه از یکدیگر وجود نداشت و دوگروه ازنظر سن همگن بودند. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش به تفکیک سه مرحله پژوهش در دو گروه در جدول ۲ ارائه‌شده است.

جدول ۲. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات اسناد خصمانه و فراخشم در بین دو گروه و در سه زمان قبل و بعد از مداخله و پیگیری

گروه		قبل از مداخله		بعد از مداخله		پیگیری	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	اسناد خصمانه	۴۹/۴	۴/۸۶	۳۶/۶	۵/۰۸	۳۷/۱	۵/۰۵
	فراخشم	۱۹/۰۶	۰/۷۰۳	۱۲/۰۶	۲/۸۴	۱۲/۲	۳
گواه	اسناد خصمانه	۴۸/۰۸	۳/۵۵	۴۷/۸	۳/۴۴	۴۸/۴	۳/۶۴
	فراخشم	۱۹/۴	۱/۱۲	۱۸/۱	۰/۹۱۵	۱۸/۷	۱/۲۷

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود نمرات پس‌آزمون و پیگیری گروه آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم زنان متقاضی طلاق در مقایسه با پیش‌آزمون بهبود یافته است، اما روند میانگین نمرات گروه گواه تقریبا ثابت بوده است که این به نوعی نشان می‌دهد که درمان موثر است. البته برای سنجش معنادار بودن این تفاوت‌ها باید از آزمون‌های آماری مناسب استفاده شود. به همین منظور پس از بررسی مفروضه نرمال بودن، همگنی واریانس‌ها و همگنی ماتریس کوواریانس‌ها از آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر آمیخته استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود. نتایج آزمون شاپیرو ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل اندازه‌گیری مکرر نشان داد که در سطح معناداری (p>۰/۰۵) داده‌های جمع‌آوری شده، در همه متغیرهای گروه آزمایش و گواه نرمال است و پیش فرض طبیعی بودن یا همان پارامتریک بودن داده‌ها رعایت شده است. نتایج آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس آمیخته نشان داد نتایج به دست آمده برای متغیر اسناد خصمانه (F=۴/۲۱ و P=۰/۰۵۱) و فراخشم (F=۲/۹۷ و P=۰/۰۹۶) بود و چون مقدار P از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است از مفروضه همگنی واریانس‌ها تخطی صورت نگرفته است. همچنین پژوهش حاضر که به دنبال تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی زنان متقاضی طلاق است، برای بررسی مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس‌ها از آزمون کرویت موچلی استفاده شد و از آنجا که این مفروضه (p =۰/۰۰۱، χ^2=۲۸۴/۹) برقرار نبود، به همین دلیل می‌توانیم از نتیجه آزمون‌های درون گروهی با تعدیل درجات آزادی و با استفاده از نتایج آزمون گرین هاوس گیسر استفاده کنیم. در ادامه نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر ۳*۲ برای مقایسه دو گروه آزمایش و گواه و در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری برای متغیرهای پژوهش ارائه گردید.

جدول ۳. نتایج آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) در گروه‌های مورد پژوهش

	نام آزمون	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
اسناد خصمانه و فراخشم	کرویت فرض شده	۱۰۴۹/۲	۵	۲۰۹/۸	۲۶/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۸۱
	گرین هاوس- گیسر	۱۰۴۹/۲	۱/۷۹	۵۸۴/۲	۲۶/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۸۱
	هوین- فلت	۱۰۴۹/۲	۱/۹۸	۵۲۹/۹	۲۶/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۸۱
	باند بالا	۱۰۴۹/۲	۱	۱۰۴۹/۲	۲۶/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۴۸۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در گروه های مورد مطالعه از نظر حداقل یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. مجذور اتا نشان می دهد تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت ۴۸/۱ درصد است که از نظر آماری قابلیت اعتنا و تعمیم‌پذیری را دارد. بنابراین گزارش نتایج دقیق در اثرات ساده و تعاملی به شرح جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر ۳×۲ به منظور بررسی اثربخشی آزموش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق

	نام آزمون	F	معناداری	اندازه اثر	توان آماری
	اثر اصلی گروه	۲۴۷/۳	۰/۰۰۱	۰/۶۶۲	۱
اسناد خصمانه	اثر اصلی سه مرحله اجرا	۱۹۸/۴	۰/۰۰۱	۰/۶۸۶	۱
	اثر اصلی گروه	۲۳۲/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۸۹	۱
فراخشم	اثر اصلی سه مرحله اجرا	۱۲/۲	۰/۰۰۱	۰/۳۱	۱

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که اثر اصلی گروه برای اسناد خصمانه (۶۶۲/ $\eta^2 =$، ۰/۰۵> P، ۲۴۷/۳=F) و برای فراخشم (۸۹/ $\eta^2 =$، ۰/۰۵> P، ۲۳۲/۰۶=F) معنادار هستند؛ یعنی بین دو گروه از نظر میانگین اسناد خصمانه و فراخشم تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد در متغیر جهت‌گیری گفت‌و شنود اثر اصلی سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری (۶۸۶/ $\eta^2 =$، ۰/۰۵> P، ۱۹۸/۴=F) معنادار است. همچنین در متغیر فراخشم نیز اثر اصلی سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری (۳۱/ $\eta^2 =$، ۰/۰۵> P، ۱۲/۲=F) معنادار است. به عبارتی بین نمرات اسناد خصمانه و فراخشم در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با لحاظ کردن گروه‌های مختلف آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه بررسی تفاوت‌های مشاهده شده در اثر اصلی زمان (سه مرحله اجرا) از آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. آزمون بونفرونی برای مقایسه اسناد خصمانه و فراخشم در سه مرحله

متغیر	مرحله I	مرحله J	تفاوت میانگین (I-J)	معناداری
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۸/۸۶*	۰/۰۰۱
اسناد خصمانه		پیگیری	۶/۳۴*	۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۷/۷۵*	۰/۰۲۱
فراخشم		پیگیری	۵/۰۶*	۰/۰۰۴

با توجه به جدول ۵ می‌توان مشاهده کرد که به طور کلی نمرات اسناد خصمانه و فراخشم زنان متقاضی طلاق از مرحله پیش‌آزمون به پس‌آزمون و پیگیری کاهش یافته است که این نشان دهنده تاثیر آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در این زنان است. در متغیر اسناد خصمانه تفاوت بین مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون (p<۰/۰۵، d=۸/۸۶) و پیش‌آزمون پیگیری (p<۰/۰۵، ۶/۳۴= d) معنادار است. با توجه به جدول ۲ همچنین می‌توان مشاهده کرد که به طور کلی نمرات اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق از مرحله پیش‌آزمون به پس‌آزمون و پیگیری کاهش یافته است که نشان دهنده تاثیر آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر کاهش اسناد خصمانه است. همانطور که مشاهده می‌شود در متغیر فراخشم زنان متقاضی طلاق تفاوت بین مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون (p<۰/۰۵، d=۷/۷۵) و پیش‌آزمون و پیگیری (p<۰/۰۵، d=۵/۰۶) معنادار و نشان دهنده اثر بخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر کاهش فراخشم در زنان متقاضی طلاق است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق انجام شد. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق مؤثر است. نتیجه حاصل با نتیجه پژوهش کریچفیلد و همکاران (۲۰۲۲)، تسویل و همکاران (۲۰۲۲) و گانز و همکاران، ۲۰۲۲) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: زوج در مانی دلبستگی محور به زوجین می آموزد تا از طریق افزایش امنیت و حمایت، در دسترس بودن، پاسخدهی به نیاز همسر و ایجاد رفتارهای امن، روش‌های افزایش صمیمیت و ارتباط و بازسازی روابط، رفتار خود را تصحیح کنند؛ مسائل مهم زندگی خود را برا همسرشان افشا کنند، از همسر خود پاسخ مثبت دریافت کنند و تحت مراقبت وی قرار گیرند، تعامل‌های کلامی و غیر کلامی خود را افزایش دهند، افکار، احساسات، نیازها و تمایلات خود را بیان کرده و پیوند نزدیکی را با یکدیگر داشته باشند که سبب ارتقای سلامت جسمانی و روانشناختی و بهزیستی آنان خواهد شد (ولوتی و همکاران، ۲۰۲۲). درصورتی‌که زوجین قادر باشند تا نیاز، خواسته‌ها و علایق خود را با یکدیگر در میان بگذارند؛ عشق، محبت و دوستی‌شان را ابراز کنند به‌خوبی از عهده حل مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر برمی‌آیند و رابطه صمیمانه خود را تحکیم می‌کنند و اجازه نمی‌دهند روابط آن‌ها به یک رابطه موازی و بدون صمیمیت تبدیل شود و انرژی عشق به آزردگی و خشم بدل شود. بدین‌صورت می‌توانند به‌جای انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت و عدم همراهی عاطفی به ثبات در تعاملات خانوادگی دست یابند (آوچی و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین می‌توان گفت که افراد وقتی در مسیر ایمن بودن قرار می‌گیرند خود را توانا، دیگران را قابل‌اعتماد و آینده خود را روشن می‌بینند وزندگی را تحت کنترل خودشان می‌دانند و با واقعیت همسازتر هستند. درصدد حل مسائل و مشکلات برمی‌آیند و گرمی و صمیمیت بیشتری دارند و روابط عاطفی آن‌ها نیز با لذت و سرزندگی و حس آرامش آمیخته است و به شریک زندگی‌شان اعتماد دارند که این خصوصیات رضایت آن‌ها را از روابط با شریک جنسی‌شان افزایش می‌دهد و برخلاف زمانی که به سمت سبک ناایمن گرایش داشتند که دچار عدم اعتماد و کناره‌گیری از روابط بودند و عکس‌العمل‌های هیجانی‌شان در مواقع ناکامی و مشکلات زندگی منجر به تعارض و خصومت در روابط آنان می‌شد ظرفیتشان برای پیوندهای صمیمانه با شریکشان بالا می‌رود و صمیمیت و درنتیجه رضایتمندی بیشتری را تجربه می‌کنند (کریچفیلد و همکاران، ۲۰۲۲).

همچنین در تبیین پایداری تأثیر آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق می‌توان گفت با توجه به اینکه آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی به افراد کمک می‌کند تا با کنترل هیجانات و بهبود الگوهای ارتباطی بتوانند در خصوص مشکلاتشان با همسرانشان گفت‌وگو کنند و از قهر و سرزنش خودداری کرده و تلاش کنند احساساتشان را به همسرشان ابراز کنند و به یک‌راه حل منطقی دست یابند (الکاید و همکاران، ۲۰۲۱)؛ همچنین می‌توان افزود: مداخله دل‌بستگی محور، با بازتعریف نقش‌ها، عملکردها و کارکردهای فردی به‌ویژه درزمینهٔ متعادل‌سازی در دسترس بودن عاطفی و روانی و ایجاد صمیمت در هریک از زوجین در ارتباط با دیگری، میزان انطباق‌پذیری خانوادگی را بهبود بخشیده است (گریرو (۲۰۲۱)، بنابراین همین امر موجب شده است که حتی در زمان سپری شده بعد از مداخله نیز برای زنان متقاضی طلاق کارآمد باشد.

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر فراخشم مؤثر است. نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون سلانووا و نبوت-گرسا، ۲۰۲۲)، گریرو (۲۰۲۱)، هوانگ و همکاران (۲۰۲۰) ستوده (۱۴۰۰) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: مداخلات دلبستگی محور، با آگاهی زوجین در مورد نیازهای دلبستگی و هیجان‌های زیربنای بین فردی، سبک های تعامل منفی، بازسازی دوباره این سبک ها، تشویق هریک از زوجین به ابراز نیازهای دلبستگی و آموختن زوجین به اینکه این نیازها را مورد پذیرش قرار دهند و همچنین با تقویت مرز دلبستگی که در آن زوجین در جلسات درمان متوجه می شوند که هر یک کودکی متفاوت با ویژگی های خاصی دارند که بر روابط بین آنها مؤثر بوده و با احساس ایمنی ایجاد شده بین زوجین نسبت به یکدیگر، زوج درمانی دلبستگی محور به زوجین می آموزد که با نقش های حمایت جویی و حمایت کنندگی آشنا شده و در مواجه با موقعیت های دشوار در روابط زناشویی، دسترسی عاطفی بیشتر و بهتری به یکدیگر داشته و با ایجاد تحولاتی در عقاید فردی پیرامون خود و همسرش روابط زناشویی را تا حد امکان بهبود بخشیده و به کاهش تعارضات زناشویی و به دنبال آن کاهش فراخشم کمک می‌کنند (گریرو ، ۲۰۲۱)؛ از دیدگاه نظریه دلبستگی، الگوها و شیوه هایی که در روابط مختل به کار می‌روند، محدود، مشخص و قابل پیش‌بینی می‌باشند. اغلب، یک همسر به دنبال یک ارتباط عاطفی بوده و خواسته‌اش را به شیوه بسیار پرخاشگرانه‌ای مطرح کرده، و همسر دیگر به تسکین وی پرداخته

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

و یا برای برقراری آرامش، خود را کاملاً کنار کشیده و از بحران محفوظ می‌سازد. هر گامی که هر کدام از همسران بر می‌دارند، دیگری را در یک چرخه بازخوردی مشخص قرار می‌دهد. این دیدگاه به درمانگران کمک می‌کند تا بیشتر به الگوهای تعاملی موجود در ارتباطات مختل توجه کنند. فراتر از آن، به کمک این دیدگاه می‌توان تمایلات شدیدی که زیربنای خواسته‌ها، اعتراضات شدید و اضطراب‌ها هستند ونیز ناامیدی‌هایی که زیر بنای گوشه گیری و جدایی شدید می‌باشند را مورد توجه قرار داد (باک و همکاران، ۲۰۲۰). درمانگر می‌تواند تعاملات جدید مثبتی ایجاد کند که آن دیدگاه منفی در مورد خود و دیگران را به چالش بیندازد و یک حس مثبت در خود ایجاد کند. آنهایی که احساس ایمنی دارند، دلبستگی‌شان به همسرشان مبسوط‌تر، روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تر است و احساس مثبتی نسبت به خود دارند (جیائو ، ۲۰۲۱).

در تبیین پایداری تأثیر آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر فراخشم می‌توان گفت نظریه‌ی دل‌بستگی همیشه بر اهمیت صمیمیت تأکید کرده است. میل به صمیمیت ریشه‌های زیست‌شناختی دارد و در اکثر افراد از تولد تا مرگ ثابت است. روابطی که مکرراً میل به صمیمیت را ارضاء می‌کنند منجر به دل‌بستگی‌های ایمن‌تر در بین زوج‌ها می‌شوند (ستوده، ۱۴۰۰). بنابراین آموختن این مهارت‌ها باعث کاهش فراخشم در زنان متقاضی طلاق شد که حتی در طول زمان نیز پایدار بود.

به‌طورکلی نتایج حاکی از اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر کاهش اسناد خصمانه و فرا خشم در زنان متقاضی طلاق بود. به‌عبارت‌دیگر این شیوه درمانی به‌طور معناداری باعث افزایش الگوی ارتباطی سازنده شد. پس این روش درمانی به‌عنوان یک روش درمانی کارآمد، کاربردی و مؤثر قابلیت استفاده و کاربرد در مراکز و کلینیک‌های درمانی را در جهت بهبود ویژگی‌های روان‌شناختی زوج‌ها و سلامت آن‌ها دارد. درنتیجه مشاوران و درمانگران می‌توانند از روش آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی برای کاهش اسناد خصمانه و فراخشم استفاده کنند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به روش نمونه‌گیری در دسترس و عدم استفاده از زوجین به‌طور هم‌زمان اشاره کرد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود؛ همچنین ازآنجا که واحد نمونه پژوهش حاضر زنان متقاضی طلاق بود؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از زوجین متقاضی طلاق استفاده شود.

منابع

ابهر زنجانی، ف؛ توزنده جانی، ح؛ امانی، پ. (۱۴۰۱). اثربخشی درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر اسناد خصمانه و تحمل آشفتگی در دانش‌آموزان مبتلا به اختلال وسواسی- اجباری. *اصول بهداشت روانی*، ۲۴(۲)، ۸۲- ۷۵. https://jfmh.mums.ac.ir/article_19938.html

بنیسی، پ. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مثبت نگری بر بهزیستی ذهنی، فراهیجان مثبت و توانایی خود مدیریتی زنان سالمند. *مجله روانشناسی پیری*، ۵(۳)، ۲۲۷- ۲۱۷. file:///C:/Users/HP/Downloads/13000513980303

پاجی، ر. (۱۳۹۵). *اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر سبک دلبستگی بر ابعاد صمیمیت و رضایت زناشویی در زوجین متأهل شهر رامسر*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشگاه پیام نور تهران جنوب. www.irandoc.ir

حسینی، م؛ هاشمی، ت؛ خانجانی، ز؛ ماشینچی، ع. (۱۳۹۸). نعیمه سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری: نقش میانجی بلوغ اجتماعی. *انجمن علمی روانشناسی ایران*، ۱۲(۱)، ۵۹۵-۶۰۰. https://www.sid.ir/paper/896795/fa

ستوده، م. (۱۴۰۰). *مدل ساختاری روابط بین سبک های دلبستگی، نشخوار ذهنی، شفقت خود، پذیرش و امید در زنان نابارور*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه اردکان.https://ganj.irandoc.ac.ir/#/search?keywords

شهابی، ش؛ غلامرضا، ثناگوی م. (۱۳۹۸). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر نگرش به روابط فرا زناشویی و دلزدگی زناشویی زوجین. *سلامت اجتماعی*، ۷ (۱)، ۸۷ - ۹۴.https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=54821 .

Avci, R., Adiguzel, A., Zeybek, S. U., & Çolakkadıoğlu, O. (2021). The role of post-divorce parental conflict in predicting aggression, anger, and symptoms of anxiety and depression among university students. *Journal of Divorce & Remarriage*, *62*(3), 199-215. https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1871830

Bevan, J. L., Urbanovich, T., & Vahid, M. (2021). Family communication patterns, received social support, and perceived quality of care in the family caregiving context. *Western Journal of Communication*, *85*(1), 83-103. https://doi.org/10.1080/10570314.2019.1686534

Brennan, N. M., Daly, C. A., & Harrington, C. S. (2010). Rhetoric, argument and impression management in hostile takeover defence documents. *The British Accounting Review*, *42*(4), 253-268. https://doi.org/10.1016/j.bar.2010.07.008

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

Buck, B., Browne, J., Gagen, E. C., & Penn, D. L. (2020). Hostile attribution bias in schizophrenia-spectrum disorders: Narrative review of the literature and persisting questions. *Journal of Mental Health*, 1-18. https://doi.org/10.1080/09638237.2020.1739240

Critchfield, K. L., Thapa, P., Panizo, M. T., & Conceição, N. (2022). Using interpersonal reconstructive therapy to address comorbid problems organized by attachment-based learning: The case of Don. *Journal of Clinical Psychology*, *78*(3), 396-408. https://doi.org/10.1002/jclp.23292

Critchfield, K. L., Thapa, P., Panizo, M. T., & Conceição, N. (2022). Using interpersonal reconstructive therapy to address comorbid problems organized by attachment-based learning: The case of Don. *Journal of Clinical Psychology*, 78(3), 396-408. https://doi.org/10.1002/jclp.23292

Dyduch-Hazar, K., Mrozinski, B., & Golec de Zavala, A. (2019). Collective narcissism and in-group satisfaction predict opposite attitudes toward refugees via attribution of hostility. *Frontiers in Psychology*, *10*, 1901. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.01901

Diamond, G. M., Boruchovitz-Zamir, R., Nir-Gotlieb, O., Gat, I., Bar-Kalifa, E., Fitoussi, P. Y., & Katz, S. (2022). Attachment-based family therapy for sexual and gender minority young adults and their nonaccepting parents. *Family Process*. https://doi.org/10.1111/famp.12770

Diamond, G., Diamond, G. M., & Levy, S. (2021). Attachment-based family therapy: Theory, clinical model, outcomes, and process research. *Journal of affective disorders*, *294*, 286-295. https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.07.005

Dugal, C., Brassard, A., Claing, A., Lefebvre, A. A., Audet, A., Paradis-Lavallée, R., ... & Péloquin, K. (2021). Attachment Insecurities and Sexual Coercion in Same-and Cross-Gender Couples: The Mediational Role of Couple Communication Patterns. *Journal of Sex & Marital Therapy*, *47*(8), 743-763. https://doi.org/10.1080/0092623X.2021.1944937

Fitzpatrick, M. A. (2004). Family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family communication*, 4(3-4), 167-17https://doi.org/10.1080/15267431.2004.9670129

Ganz, M. B., Rasmussen, H. F., McDougall, T. V., Corner, G. W., Black, T. T., & De Los Santos, H. F. (2022). Emotionally focused couple therapy within VA healthcare: Reductions in relationship distress, PTSD, and depressive symptoms as a function of attachment-based couple treatment. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, *11*(1), 15. https://doi.org/10.1037/cfp0000210

Gehlert, N. C., Schmidt, C. D., Giegerich, V., & Luquet, W. (2017). Randomized controlled trial of imago relationship therapy: Exploring statistical and clinical significance. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *16*(3), 188-209. https://doi.org/10.1080/15332691.2016.1253518

Gettings, P. E., & McNallie, J. (2021). Examining Grandparents' Perceptions of Expectations and Family Communication Patterns in the Development of Grandparent–Grandchild Relationships. *Journal of Family Communication*, *21*(4), 287-305. https://doi.org/10.1080/15267431.2021.1976183

Guerrero, L. K. (2021). *Attachment theory: A communication perspective* (pp. 299-313). Routledge. https://www.taylorfrancis.com/chapters/edi

Gusakova, S., Chin, K., Ascigil, E., Conley, T. D., Chakravarty, D., Neilands, T. B., ... & Darbes, L. A. (2021). Communication patterns among male couples with open and monogamous agreements. *Archives of Sexual Behavior*, *50*(4), 1419-1431. https://doi.org/10.1007/s10508-020-01821-9

Harris, S. M., Crabtree, S. A., Bell, N. K., Allen, S. M., & Roberts, K. M. (2017). Seeking clarity and confidence in the divorce decision-making process. *Journal of Divorce & Remarriage*, *58*(2), 83-95. https://doi.org/10.1080/10502556.2016.1268015

Hastasari, C., Setiawan, B., & Aw, S. (2022). Students' communication patterns of islamic boarding schools: the case of Students in Muallimin Muhammadiyah Yogyakarta. *Heliyon*, *8*(1), e08824. https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e08824

Hendrix, H., Hunt, H. L., Luquet, W., & Carlson, J. (2015). Using the Imago dialogue to deepen couples therapy. *The Journal of Individual Psychology*, *71*(3), 253-272. https://doi.org/10.1353/jip.2015.0029

Holliman, R., Muro, L., & Luquet, W. (2016). Common factors between couples therapists and imago relationship therapy: A survey of shared beliefs, values, and intervention strategies. *The Family Journal*, *24*(3), 230-238. https://doi.org/10.1177/1066480716648693

Hovick, S. R., Thomas, S. N., Watts, J., & Tan, N. Q. (2021). The influence of family communication patterns on the processing of messages to increase family health history seeking intentions. *Health communication*, *36*(4), 424-432. https://doi.org/10.1080/10410236.2019.1693129

Huang, C.Y., Sirikantraporn, S., abaock, N., & Cobb, J.M.T. (2020). Parental Attachment, Adult-Child Romantic Attachment, and Marital Satisfaction: An Examination of Cultural Context in Taiwanese and Thai Heterosexual Couples. *International Journal* of *Environmental Research and Public Health*, 17, 1-13. https://doi.org/10.3390/ijerph17030692

Jabali, S. M., & AL-Massarweh, S. S. (2022). Divorce and Its Psychological and Social Effects on the Children of Divorced People from Their Viewpoint in the Jordanian Society. *Modern Applied Science*, *16*(2). : https://doi.org/10.5539/mas.v16n2p1

Jiao, J. (2021). Family communication patterns and emerging adults' attachment with parents and romantic partners. *Communication Research Reports*, *38*(4), 229-240. https://doi.org/10.1080/08824096.2021.1922373

Karadenizova, Z., & Dahle, K. P. (2021). Analyze this! Thematic analysis: hostility, attribution of intent, and interpersonal perception bias. *Journal of interpersonal violence*, *36*(3-4), 1068-1091. ttps://doi.org/10.1080/14427591.2020.1742196

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

Knapp, J. M. (2022). Doing imago relationship therapy in the space-between. *Journal of Marital and Family Therapy*, *48*(2), 669-670. https://doi.org/10.1111/jmft.12527
Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication theory*, *12*(1), 70-91. https://doi.org/10.1111/j.1468-2885.2002.tb00260.x
Kramer, C. (2018). Imago Therapy in Action: Moving From Rupture to Repair. *group*, *42*(2), 167-171. https://muse.jhu.edu/article/844372/summary
Luquet, W. (2017). Imago relationship therapy. In *Behavioral, Humanistic-Existential, And Psychodynamic Approaches To Couples Counseling* (pp. 148-177). Routledge. https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315676869-7
Luquet, W., & Muro, L. (2018). Imago relationship therapy alignment with marriage and family common factors. *The Family Journal*, *26*(4), 405-410. https://doi.org/10.1177/1066480718803342
Mitmansgruber, H., Beck, T. N., Höfer, S., & Schüßler, G. (2009). When you don't like what you feel: Experiential avoidance, mindfulness and meta-emotion in emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, *46*(4), 448-453. https://doi.org/10.1016/j.paid.2008.11.013
Nisanci, Z., & Nisanci, A. (2022). Between-Reporter Agreement Among Couples: Exploring Nonlinear Patterns in Marital Conflict. *Journal of Interpersonal Violence*, 08862605221118963. https://doi.org/10.1177/08862605221118963
Noy-Sharav, D. (2021). Corrective Emotional Experience in Couple Therapy: An Integration between Imago Approach and Psychoanalytic Concepts in Light of Neuropsychological Studies. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *20*(4), 319-339. https://doi.org/10.1080/15332691.2020.1860178
Øverup, C. S., Cipric, A., Strizzi, J. M., Sander, S., & Hald, G. M. (2022). Temporal Associations Between Depression and Hostility in the Context of a Divorce Intervention. *Psychological Reports*, 00332941211070212. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/08862605221118963
Penwarden, S. (2021). A person as becoming over time: contrasting the theological view of a person as imago Dei with the narrative therapy notion of telos. *Practical Theology*, *14*(3), 186-198. https://doi.org/10.1080/1756073X.2020.17926
Penwarden, S. (2021). A person as becoming over time: contrasting the theological view of a person as imago Dei with the narrative therapy notion of telos. *Practical Theology*, *14*(3), 186-198. https://doi.org/10.1080/1756073X.2020.17926
Quan, F., Yang, R., Zhu, W., Wang, Y., Gong, X., Chen, Y., ... & Xia, L. X. (2019). The relationship between hostile attribution bias and aggression and the mediating effect of anger rumination. *Personality and Individual Differences*, *139*, 228-234. https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.11.029
Radetzki, P. A., Deleurme, K. A., & Rogers, S. M. (2021). The implications of high-conflict divorce on adult–children: Five factors related to well-being. *Journal of Family Studies*, 1-21. https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1754277
Refahi, Z., Dastan, N., & Ashrafi, H. (2020). Prediction of aggression in children based on domestic violence and communication patterns. *Quarterly journal of child mental health*, *7*(2), 55-65. http://childmentalhealth.ir/article-1-1001-en.html
Royeen, C. B. (2020). Meta-emotion of Occupation with Wissen (MeOW): Feeling about feeling while doing with meaning. *Journal of Occupational Science*, *27*(4), 460-473. https://doi.org/10.1080/14427591.2020.1742196
Salanova, M., & Nebot-Gresa, L. (2021). Positive effects and validation of a Brief Intervention Program of Attachment-Based Compassion Therapy. *Terapia Psicológica*, *39*(3), 428. https://doi.org/10.4067/S0718-48082021000300427
Shaw, R. B., Giroux, E. E., Gainforth, H. L., McBride, C. B., Vierimaa, M., & Ginis, K. A. M. (2022). Investigating the influence of interaction modality on the communication patterns of spinal cord injury peer mentors. *Patient Education and Counseling*, *105*(5), 1229-1236. https://doi.org/10.1016/j.pec.2021.09.008
Sznitman, G. A., Zimmermann, G., & Van Petegem, S. (2019). Further insight into adolescent personal identity statuses: Differences based on self-esteem, family climate, and family communication. *Journal of adolescence*, *71*, 99-109. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2019.01.003
Tsvieli, N., Lifshitz, C., & Diamond, G. M. (2022). Corrective attachment episodes in attachment-based family therapy: The power of enactment. *Psychotherapy Research*, *32*(2), 209-222. https://doi.org/10.1080/10503307.2021.1913295
Van der Watt, A. S., Roos, A., Du Plessis, S., Bui, E., Lesch, E., & Seedat, S. (2022). An Attachment Theory Approach to Reframing Romantic Relationship Breakups in University Students: A Narrative Review of Attachment, Neural Circuitry, and Posttraumatic Stress Symptoms. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, *21*(2), 129-150. https://doi.org/10.1080/15332691.2021.1908197
van Dijk, R., van der Valk, I. E., Vossen, H. G., Branje, S., & Deković, M. (2021). Problematic Internet use in Adolescents from divorced families: The role of family factors and adolescents' self-esteem. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *18*(7), 3385. https://doi.org/10.3390/ijerph18073385
Velotti, P., Rogier, G., Mommo, G., Bizzi, F., & Cavanna, D. (2022). An Exploration of Home Attachment Representations using an Adaptation of Adult Attachment Interview: Preliminary Data on the Home Attachment Interview. *Mediterranean Journal of Clinical Psychology*, *10*(1). https://cab.unime.it/journals/index.php/MJCP/article
Windle, M., & Windle, R. C. (2018). Parental divorce and family history of alcohol disorder: Associations with young adults' alcohol problems, marijuana use, and interpersonal relations. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*, *42*(6), 1084-1095. https://doi.org/10.1111/acer.13638
Zajenkowska, A., Prusik, M., Jasielska, D., & Szulawski, M. (2021). Hostile attribution bias among offenders and non-offenders: Making social information processing more adequate. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, *31*(2), 241-256. https://doi.org/10.1002/casp.2493

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.12.11.0]